

نقش امام صادق علیه السلام در احیای حج ابراهیمی

نورالله قدرتی^۱

چکیده

همه اعمال حضرت ابراهیم علیه السلام، به عنوان یکی از منادیان بزرگ توحید و امام مردم، در حج به عنوان سنت سفارش شده است. با ظهور دین مبین اسلام فریضه حج از ارکان این دین به شمار آمد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز در حجة الوداع مناسک حج را به صورت عملی و قولی برای مردم تشریح کرد و در حد امکان خرافات را از چهره حج ابراهیمی زدود. پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، مناسک حج دچار انحراف اساسی شد. در چنین شرایطی ائمه، به ویژه امام صادق علیه السلام، به عنوان جانشینان پیامبر نقش آفرینی کردند.

نویسنده در این پژوهش دنبال پاسخ به این سؤال است که امام صادق علیه السلام در احیای حج ابراهیمی چه نقشی داشتند. وی همچنین با بیان تلاش های علمی و عملی، و میزان تأثیر عملکرد آن حضرت در احیای حج ابراهیمی و زدودن غبار خرافات و انحراف از چهره آن را به روش توصیفی - تحلیلی بررسی کرده است. یافته های این تحقیق نشان می دهد که امام صادق علیه السلام در تبیین مسائل مربوط به حج - از جمله بیان جایگاه و فضایل حج، فلسفه و اهداف حج، بیان آداب حج و خرافه زدایی از آیین حج - نقش بسزایی داشتند.

کلید واژگان: ابراهیم، امام صادق، حج، مناسک.

۱. دکترای حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی قم، سطح ۴ حوزه علمیه قم.

norollahqodraty45@gmail.com

مقدمه

فريضة حج كه از زمان حضرت آدم عليه السلام وجود داشت، به مرور فراموش، يا دگرگون و دچار انحراف اساسي شد. حضرت ابراهيم عليه السلام از طرف خداوند مأمور شد كعبه را بازسازي كند و مناسك حج را برمدار توحيدى آن سرو سامان دهد. با گذشت زمان بر اثر ناآگاهي و نبود دانش كافى به فلسفه وجودى احكام و مناسك حج، زمينه ورود عقايد شرك آلود و بى پايه و اساس در فريضة حج فراهم شد.

در دوران جاهليت، كعبه محل نگهدارى بت ها شد و قبائل امتيازخواه با سوء استفاده از اين مكان مقدس، مناسك آن را طبق اميال و براساس منافع خود انجام دادند تا آنجا كه جزاسمى از حج باقى نمانده بود.

رسالت بزرگ پيامبر اسلام صلى الله عليه وآله، زدودن غبار شرك و انحراف از كالبد اديان ابراهيمي و مبارزه با فرهنگ هاى منحط آن دوران بود. حضرت با آموزش احكام و مناسك حج در آخرين سال عمرش، حج ابراهيمي را از بند اسارت جاهليت رهانيد و فرمود: «خُذُوا عَنِّي مَنَاسِكَكُمْ». (بيهقي، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۲۰۴) همچنين حضرت چهره واقعي احكام الهى را طبق آياتى كه براو نازل شده بود بيان، و اجرا كرد.

با رحلت پيامبر اسلام صلى الله عليه وآله چهارچوب هدايت و رهبرى از مسير خود خارج شد و فرايند مناسك حج، همانند ساير اعمال دين اسلام، براى مسلمانان در پرده ابهام پوشيده ماند. از اين رو جامعه اسلامى و مسلمان ها نتوانستند ميوه شيرين حج را بچينند؛ زيرا خلفا اجازه ندادند تا پرهيزكاران امور كعبه را به دست گيرند. بنابر اين يك بار ديگر حج دستخوش انحراف شد. با اين وجود حجت خدا تحت هر شرايطى رسالت خويش را انجام مى دهد. بر همين اساس امام صادق عليه السلام درباره حج نقش آفرينى كردند و با تلاش هاى مداوم به تبئين مناسك حج و اعمال مرتبط به آن پرداختند.

بى شك بيشترين روايات درباره حج از امام صادق عليه السلام به ما رسيده است. بنابر اين

پرسش اصلی تحقیق این است: «نقش امام صادق علیه السلام در احیای حج ابراهیمی چیست؟». نویسنده در این مقاله در صدد بیان جلوه‌هایی از تلاش‌های امام صادق علیه السلام در احیای حج ابراهیمی، با استناد به منابع اصیل اسلامی است.

نقش حضرت ابراهیم علیه السلام در برگزاری مناسک حج

۱. ویژگی‌های حج ابراهیمی در قرآن

از مجموع آیات و روایات استفاده می‌شود که همه انبیا مناسک حج را به جا آورده‌اند. با این حال این پرسش مطرح است که اگر حج قبل از ابراهیم علیه السلام انجام می‌گرفت، چرا به این مناسک «حج ابراهیمی» می‌گویند؟ در جواب می‌توان گفت که کعبه بعد از رحلت حضرت آدم علیه السلام بر اثر حوادث از بین رفته بود تا این که خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام مأموریت داد آن را باز سازی، و حج را احیا کند. بنابراین شاید رازش این باشد که ابراهیم علیه السلام بانی و تعمیرکننده کعبه بود. همچنین او اوصافی داشت که کمترین مبری این اوصاف را دارا بود. در این بخش نقش حضرت ابراهیم علیه السلام را در برگزاری مناسک حج بحث می‌کنیم.

الف) باز سازی کعبه

بر اساس آیات و روایات، حضرت ابراهیم و اسماعیل علیه السلام به امر خدا کعبه را بنا نهادند. البته در بعضی از نقل‌های تاریخی ساخت آن را به زمان حضرت آدم علیه السلام، یا پیش از آن باز می‌گردانند، اما در طوفان نوح کعبه فرو ریخت و سپس به دست ابراهیم تجدید بنا شد. (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۸۷). مجموع آیات، روایات و اقوال تاریخی نیز سابقه بیت الله الحرام را پیش از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام معرفی می‌کنند. تنها آیه ۱۲۷ سوره بقره، ابراهیم علیه السلام را به عنوان بنا کننده کعبه معرفی کرده است. بنابراین به مجموع آیات باید توجه کرد.

تجدید بنای کعبه و تبلیغ آن مختص حضرت ابراهیم علیه السلام نیست و دست کم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در سال هشتم، آنجا را از بت‌ها پاکسازی، و حقیقت آن را به مردم معرفی کرد

و به مراسم خرافی و طواف‌های عریان پایان داد، اما بدون تردید نقش ابراهیم علیه السلام در رونق دادن به خانه کعبه قابل انکار نیست. تحولی که ایشان در مکه و کعبه ایجاد کرد، به استثنای رسول مکرم اسلام، هیچ پیامبری موفق به انجام دادن آن نشد. در چند آیه قرآن بر این مسئله تأکید شده است؛ از جمله:

﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَظَهَّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾. (حج: ۲۶)

[به خاطر بیاور] زمانی را که جای خانه [کعبه] را برای ابراهیم آماده ساختیم و [به او گفتیم] چیزی را همتای من قرار مده و خانه‌ام را برای طواف‌کنندگان و قیام‌کنندگان و رکوع‌کنندگان و سجودکنندگان (از هرگونه آلودگی) پاک گردان.^۱

«بَوَّأُ» ابتدا به معنای تساوی اجزای یک مکان، و مسطح بوده است، سپس به هرگونه آماده ساختن مکان اطلاق شده است. خانه کعبه به دست حضرت آدم علیه السلام ساخته شد، اما به مرور زمان ویران، و آثارش محو شد. خداوند محل اصلی خانه را به ابراهیم نشان داد. ابراهیم نیز با کمک فرزندش اسماعیل آن را تجدید بنا کرد. هنگامی که ابراهیم خانه کعبه را آماده کرد، از طرف خداوند ندا رسید: «ای ابراهیم، این خانه را کانون توحید قرار بده و چیزی را شریک من قرار نده و خانه‌ام را برای طواف‌کنندگان و قیام‌کنندگان و رکوع‌کنندگان و سجده‌کنندگان پاک کن». در حقیقت ابراهیم علیه السلام مأمور بود خانه کعبه و اطراف آن را از هرگونه آلودگی ظاهری و باطنی، و هرگونه بت و مظاهر شرک پاک و پاکیزه کند تا بندگان خدا در این مکان پاک جز خداوند به چیز دیگری فکر نکنند و طواف و نماز را در محیطی پیراسته از هرگونه آلودگی انجام دهند. بنابراین پاسداشت کعبه و تداوم حج‌گزاری موجب رضایت الهی، و در مقابل بی‌توجهی به خانه خدا خشم پروردگار (سامانی، ۱۳۹۹ ش، ص ۶۰) و دوری از رحمت او را به دنبال دارد.

۱. همچنین در سوره‌های بقره: ۹۶؛ آل عمران: ۳۷ و ابراهیم: ۲۲ نیز بر این مسئله تأکید شده است.

ب) دعای ابراهیم و اسماعیل علیه السلام

حضرت ابراهیم بعد از اتمام ساخت کعبه از خداوند چند چیز درخواست کرد که برای هرانسانی در طول تاریخ سرمشق است:

یک- قبولی اعمال

حضرت ابراهیم و اسماعیل علیه السلام بعد از اتمام ساخت خانه خدا چنین دعا کردند: «خدایا، این کار را از ما قبول کن که توشنوا و آگاه هستی». ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾. (بقره: ۱۲۷) این دعا به این اشاره دارد که تمجید خداوند از آداب دعا و قبولی عمل غیر از صحیح بودن عمل است.

دو- تسلیم محض خدا بودن

یکی از دعاهاى ابراهیم علیه السلام این بود: ﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ﴾؛ پروردگارا، ما را تسلیم خود قرار ده و نیز از دودمان ما امتی، که تسلیم فرمانت باشند، پدید آر. (بقره: ۱۲۸).

حضرت از خداوند درخواست دارد که خود، فرزند و نسل و ذریه اش را مسلمان قرار دهد. معنای «مسلمان» در این دعا «مقام تسلیم» (بالاتر از مقام ایمان) است. این دعا بلندمرتبه و پرمعنا از درجه ایمان، یقین و آینده‌نگری ابراهیم علیه السلام حکایت دارد.

سه- یادگیری مناسک حج

﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ... رَبَّنَا... وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا﴾؛ «هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه (کعبه) را بالا می‌بردند [و می‌گفتند]... طرز عبادت‌مان را به ما نشان ده». (بقره: ۱۲۷ و ۱۲۸) درخواست ابراهیم و اسماعیل علیه السلام، از خداوند یادگیری مناسک حج بود.

چهار- قبولی توبه

حضرت ابراهیم و اسماعیل علیه السلام از خداوند درخواست کردند که توبه آنها را بپذیرد:

﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ... وَتُبْ عَلَيْنَا، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾. (بقره: ۱۲۸) این دعا درخواست از خداوند برای پذیرش توبه ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام است.

انبیای الهی معصومند و گناهی مرتکب نمی شوند اما گاهی توبه عامل ترقی و باعث رشد و کمال بیشتر انسان می شود. استغفار در همه حالات باعث نزول برکت و رحمت واسعه الهی است.

پنج- درخواست معلم خوب

حضرت ابراهیم عرضه داشت: ﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾. (بقره: ۱۲۹) این دعا به نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مربوط می شود. ابراهیم از خداوند درخواست می کند که خدایا، در بین مردم رسولی از خودشان مبعوث نما تا آیات قرآن را بخواند و تعلیم بدهد و مردم را تزکیه کند. خداوند نیز در جواب دعای ابراهیم علیه السلام فرموده است: «پیامبری برای مردم فرستادیم که آیات را تلاوت، و آنها را تزکیه کند و به مردم کتاب خدا را تعلیم بدهد. (جمعه: ۲) تفاوت جواب خداوند با درخواست دعای حضرت ابراهیم این است که خداوند تزکیه را بر تعلیم، اما ابراهیم علیه السلام تعلیم را بر تزکیه مقدم داشته است.

شش- امنیت مکه و رزق مردم

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾. (بقره: ۱۲۶).

و چون ابراهیم گفت: پروردگارا، این مکان را شهری امن گردان و از مردم هر که را به خدا و روز جزا ایمان بیاورد، از میوه ها روزی رسان.

آیات ۳۵ و ۳۷ سوره ابراهیم نیز بر همین مسئله تاکید می کند که نشانه اهمیت موضوع است.

ج) ابراهیم منادی حج

ابراهیم علیه السلام مأمور شد که همه مردم را به مراسم حج دعوت کند:

﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ... وَأَذَّنَ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾. (حج: ۲۶ و ۲۷)

به خاطر بیاور زمانی را که محل خانه کعبه را برای ابراهیم آماده ساختیم... و مردم را به حج دعوت عمومی کن تا پیاده و سواره بر مرکب‌های لاغرازه راه دور [به سوی خانه خدا] بیایند.

این آیه به یادآوری جایگاه بیت‌الله برای ابراهیم علیه السلام اشاره دارد و تأکید می‌کند که این جایگاه به عنوان یک مرکز مقدس برای حج تعیین شده است. همچنین فعل مضارع «یأتوک» مفید استمرار است. بنابراین ورود هرساله مردم بر حضرت ابراهیم علیه السلام در مراسم حج، بیانگر حضور هرساله آن بزرگوار در آن مراسم است.

میقات حج

وقتی ابراهیم چنین دستوری را دریافت کرد، عرض کرد: «خداوندا، صدای من به گوش مردم نمی‌رسد». خداوند فرمود: «تواعلام کن، من به گوش آنها می‌رسانم!» و خداوند صدای او را به گوش همگان، حتی کسانی که در پشت پدران و رحم مادران بودند، رساند و آنها در پاسخ «لبیک اللهم لبیک» گفتند. (حویزی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۴۸۸)

د) نشانه‌های منسوب به حضرت ابراهیم

در داخل مسجدالحرام چند مقام به حضرت ابراهیم منسوب است.

یک- خانه ابراهیم علیه السلام

براساس آیات قرآن مکه محل سکونت ابراهیم علیه السلام، فرزند و همسرش بوده و از زبان او چنین نقل می‌کند: «پروردگارا، برخی از فرزندانم را به وادی بدون کشت و زراعت نزدیک خانه گرامی تو جای دادم. تا نماز بگزارند». هدف ابراهیم علیه السلام از اقامت در مکه عبادت و برپایی نماز بوده است. قرآن با یادآوری جریان سکونت حضرت ابراهیم علیه السلام در شهر مکه،

آنها را به شناخت شخصیت آن بنده خالص، و الگو قرار دادن او دعوت می‌کند.

دو- مقام ابراهیم علیه السلام

«فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» «در آن آیات و معجزات روشنی است. مقام ابراهیم و کسی که داخل آن شود در امنیت است». (آل عمران: ۹۶)
از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «این آیات و نشانه‌ها چیست؟» حضرت فرمود: «یکی مقام ابراهیم؛ زیرا زمانی که ابراهیم [برای بالا بردن دیوار خانه خدا] بر سنگ ایستاد جای دو پای او در آن ماند، دیگری حجرالأسود و سومی منزل و حجر اسماعیل است». (حویزی، ۱۳۸۳ق، ج ۱، ص ۳۶۶) از آنجا که ابراهیم امام و الگوی حسنه مؤمنان است (ممتحنه: ۴)، بنابراین تک‌تک اعمال او در حج به عنوان سنت سفارش شده است. از این رو خداوند می‌فرماید: «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى». (بقره: ۱۲۵)
از نظر فقهی خواندن دو رکعت نماز طواف پشت مقام واجب شمرده شده تا یاد و خاطره حج ابراهیمی در ذهن‌ها زنده بماند.

سه- سعی ابراهیم

سعی یکی از سنت‌های حضرت ابراهیم علیه السلام در مناسک، و ارکان حج و از شعایر الله است: «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ». (بقره: ۱۵۸) بنابراین ابراهیم علیه السلام سنت‌گذار است و این سعی مسیری به سوی روشنایی است؛ آینه‌ای که در آن انسان خویشتن واقعی را می‌بیند، سعی ابراهیم علیه السلام خلوت با خویشتن گمشده است. این سعی آمیزه‌ای زیبا از عشق و عرفان است. سعی ابراهیم علیه السلام از جنس نور و سرور، و تلاشی از سنخ شعور و حضور است (فعالی، ۱۳۹۳ش، ص ۳۲۹) که برای همیشه در تاریخ باید ماندگار بماند.

هـ) ابراهیم و برانیت از مشرکین

حضرت ابراهیم مأمور شد خانه خدا را بازسازی، و آن را برای طواف‌کنندگان، مجاوران و رکوع‌کنندگان و سجده‌کنندگان پاک و پاکیزه کند؛ (حج: ۲۶) چون که «تطهیر» اطلاق

دارد، بنابراین خالص شدن برای عبادت خالی از بت و بت پرستی، طهارت از حدث اکبر، طهارت از خبث را شامل می‌شود و چون متعلق تطهیر ذکر نشده، بر شمول همه این امور دلالت دارد. البته بارزترین مصداق پاکی و تطهیر می‌تواند، تطهیر از شرک باشد.

۲. تلاش‌های علمی و سیره عملی امام صادق (ع) در احیای حج ابراهیمی

امام صادق (ع) افزون بر جایگاه محوری میان شیعیان امامیه، بین اهل سنت نیز مقام رفیعی داشته است. از امام صادق (ع) بیشتر از دیگر امامان حدیث نقل شده است و بیشتر سند روایات شیعی و اصول اربعمائه به آن حضرت منتهی می‌شود. (سامانی، ۱۳۹۹ش، ص ۷۵) بیشتر احادیث حج نیز از ایشان صادر شده است. آن حضرت با توجه به فرصتی که پیش آمده بود به بیان جایگاه، فضیلت، اهداف و آثار حج پرداخت. حضرت با بیانی رسا، مستدل و جامع آداب، احکام و فلسفه حج را به صورت مصداقی بیان کرده است. از ابوحنیفه نقل شده که اگر جعفر بن محمد نبود، مردم مناسک حج خود را نمی‌دانستند. (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۱۹) حضرت در بیان حج ابراهیمی از هیچ تلاشی مضایقه نکردند. اکنون حج و مناسک آن را از نظر علمی و عملی، با توجه به رویکرد امام صادق (ع) بررسی می‌کنیم.

الف) تلاش‌های علمی

امام صادق (ع) در همه بخش‌های حج مطالب مرتبط را به طور دقیق و روشن بیان کرده است.

یک- بیان جایگاه و فضایل حج

امام صادق (ع) حج را برترین راه از راه‌های خدا دانسته؛ به گونه‌ای که تنها جهاد در راه خدا و شهادت، هم پایه آن است. (مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۲۹۳) یک بار رفتن به حج بهتر از آن است که به اندازه خانه‌ای پراز طلا صدقه داده شود. حضرت خطاب به یکی از اصحاب فرمود: اگر قدرت داری که نان و نمک بخوری و هر سال به حج بروی، این کار را بکن.

هر کس دوبار به حج برود، تا زنده است در خیر و برکت قرار خواهد گرفت. کسی که سه بار به حج برود هیچ وقت فقیر نمی شود. کسی که ده بار به حج برود، خدا او را محاسبه نخواهد کرد. (صدوق، ۱۳۶۲ق، ج ۱، ص ۶۰)

حج و عمره دو بازار از بازارهای آخرت است و کسی که این دو عمل را به جا آورد، در جوار و پناه خداست. اگر به آنچه آرزو دارد دست یابد، خداوند او را می آموزد و اگر اجل دست او را کوتاه کرد، پاداش او با خداست. (کلینی، ۱۳۶۵ق، ج ۴، ص ۲۶۰) نه تنها حج و عمره، بلکه همه دنیا همانند بازاری است که عده ای موفق می شوند در این بازار به تجارت آخرت بپردازند و سودهای فراوان اخروی به دست آورند، اما عده ای نیز سرمایه عمر، نیروی جوانی و امکانات خویش را صرف لذت های زودگذر می کنند و از بهره آخرت محروم می مانند. زیارت خانه خدا و اماکن مقدس نیز این گونه است. حضرت در حدیث دیگری فرمود:

«إِذَا قَدَّرَ الرَّجُلُ عَلَى الْحَجِّ فَلَمْ يَحْجَّ فَقَدْ تَرَكَ شَرِيعَةً مِنْ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ». (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۸)

هرگاه کسی توانایی بر حج داشته باشد و از روی سهل انگاری حج به جا نیاورد، شریعت و آیینی را از آیین های اسلام ترک کرده است.

خداوند با لطف و تفضل ویژه به انسان قدرت و توانایی به جا آوردن حج را می دهد. حال اگر انسان ناشکری کند و قدر این موهبت الهی را نداند، باید به دلیل کفران نعمت الهی منتظر بازخواست باشد؛ چرا که خداوند به او توانایی مالی و بدنی داده اما او با سهل انگاری و مسامحه از ادای فریضه حج شانه خالی کرده است. در نتیجه با ترک فریضه حج، نسبت به فرمان الهی و دستورات دینی جسارت و سرکشی کرده است. از این رو فرمود: «اگر مردم حج را ترک کنند، حاکم اسلامی باید آنان را بر حضور در کنار خانه خدا وادار کند و ترک زیارت قبر پیامبر اسلام ﷺ نیز همین حکم را دارد». اگر مردم هزینه رفتن به زیارت را نداشته باشند، حاکم اسلامی باید از بیت المال خرج آنها را بدهد.

(صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۲۰) زیارت خانه خدا و حضور در کنار مزار پیامبر اکرم ﷺ از شعایر مهم دین است که حیات و قوام مکتب، و شکوه اسلام و عزت مسلمین به آن بستگی دارد. از این رو اگر مسلمانان از روی بی‌اعتنایی به کعبه و حرم پیامبر، زیارت را ترک کنند، به مقتضای روایات عقوبت الهی دامن‌گیر آنها خواهد شد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «همانا مهمان خدا، مردی است که حج و عمره به جا آورد. چنین کسی مهمان خداوند است تا آنکه به خانه‌اش بازگردد». (صدوق، ۱۳۶۲ق، ج ۵، ص ۲۴) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت تا صاحب‌خانه مهمان را دوست نداشته باشد، دعوتش نمی‌کند. وقتی هم مهمان به دعوت میزبان لبیک گفت و ادب و معرفت نشان داد، صاحب‌خانه هم با کرم و بزرگواری از مهمان پذیرایی می‌کند.

دو- بیان فلسفه و اهداف حج

برای فریضه حج ظاهر و باطنی معرفی شده است: ظاهر حج را مناسک و اعمال حج دانسته‌اند. اما در ورای این ظاهر، باطنی نیز بیان شده که اسرار بسیاری در آن نهفته شده و برخی معتقدند حقیقت حج را باید با توجه به اسرارش تحلیل و بررسی کرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۲ش، ص ۲۶) امام صادق علیه السلام سفارش کردند که پیش از آغاز حج باید دل را از هر آنچه غیر خداوند است، خالی کرد و تمام امور خود را به خداوند سپرد.

اکنون به چند نمونه از اهداف مهم و فلسفه حج در بیان امام صادق علیه السلام اشاره می‌کنم:

اول- شناخت بهتر مسلمانان از یکدیگر

امام صادق علیه السلام بخشی از فلسفه حج را شناخت بیشتر مسلمانان از یکدیگر، بهره‌گیری از تجارب و شناخت نشانه‌ها و آثار رسول خدا ﷺ بیان کرده است. (صدوق، ۱۳۶۸ش، ص ۵۰) این بیان حضرت براهمیت بالای آن دلالت دارد.

دوم- آزمایش الهی

آن حضرت درباره فلسفه حج و تشویق مردم برای بزرگداشت و زیارت کعبه، آن را

آزمایشی از سوی خدا برای میزان طاعت بندگان عنوان کرده و استحکام دین را به برپایی کعبه منوط کرده است. (صدوق، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۴۰۳)

حج نوعی هجرت از تعلقات نفسانی، و محک و آزمونی برای اخلاص و تعبد بندگان است تا روشن شود که چه کسانی مطیع اند و جان مشتاق و گام خسته خود را به این سرزمین می آورند.

سوم- دستیابی به منافع مادی و تجاری

امام علی (علیه السلام) بهره‌مندی از منافع گوناگون تجاری و فراگیری معارف و احادیث رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را از حکمت‌های حج خوانده (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۱۰۹) و بر آن تأکید می‌کند.

چهارم- اطاعت و بندگی

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

کعبه خانه‌ای است که خداوند به وسیله آن بندگان را به پرستش فراخوانده تا در آمدن به سوی آن میزان «اطاعت» آنان را بیازماید. از این رو بندگان را به بزرگداشت و زیارت آن تشویق کرده و آنجا را جایگاه انبیا و نمازگزاران قرار داده است. ... کسی که حج بر او واجب شده و برایش مقدور بوده در مراسم حج شرکت کند، اگر چنین نکرد، نایبنا محشور خواهد شد. (کلینی، ۱۳۶۵ق، ج ۴، ص ۲۶۹)

بی‌شک اصلی‌ترین مسیر به سوی رضایت و خشنودی الهی انجام دادن اعمال با خلوص نیت است.

پنجم- شناخت بهترین مکان‌ها

امام صادق (علیه السلام) مکه را محبوب‌ترین زمین نزد خداوند دانسته و فرموده است: «خاک، سنگ، درخت، کوه و آبی محبوب‌تر از آن زمین نیست». (همان، ج ۲، ص ۲۴) آن حضرت می‌فرماید که مربع بودن کعبه بدان جهت است که کعبه در مقابل بیت المعمور، که به شکل مربع است، قرار دارد و غرض خدا بر اذکار: «سبحان الله، الحمد لله، لا اله الا الله والله

اکبر»، استوار شده است. (صدوق، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۳۹۸)

حجر اسماعیل محل سکونت حضرت اسماعیل و محل دفن او و مادرش هاجر بوده است. (کلینی، ۱۳۶۵ق، ج ۴، ص ۲۱۰)

از نگاه حضرت ملتزم جایی است که اگر بنده ای در آنجا به گناهانش اعتراف، و طلب استغفار کند، بخشوده می شود. (همان، ص ۲۱۰)

مسعی محبوب ترین مکان روی زمین، و فلسفه سعی تحقیر زورگویان است. (همان، ص ۴۳۴)
دلیل نامگذاری سرزمین عرفات به این نام این است که جبرئیل در ظهر عرفه به ابراهیم ابلاغ کرد تا به گناهان خود اعتراف کند، مناسک را بشناسد (همان، ص ۴۳۶) و انجام بدهد.

هنگامی که حاجی از این مکان های مقدس شناخت واقعی پیدا کند، روح و جانش تحت تأثیر قرار می گیرد و با اخلاص و معرفت بیشتری خدا را عبادت می کند.

سه- بیان آداب حج

حج آداب زیادی دارد که بعضی از آنها به حرم و برخی به مسجد الحرام مربوط می شود. البته برخی از مکان های شهر مکه نیز آداب اختصاصی دارد. اکنون به برخی از آداب اشاره می کنیم.

اول- توبه و استغفار

با توجه به لزوم پاک کردن خانه دل پیش از ورود به حرم ها حج گزار باید استغفار کند. امام صادق علیه السلام فرمود:

«إذا أردت الحج... ثم اغتسل بماء التوبة الخالصة من الذنوب والبس كسوة الصدق والصفاء والخضوع والخشوع». (منسوب به امام صادق علیه السلام، ۱۴۰۰ق، ص ۱۴۲)
هنگامی که قصد حج کردی با آب توبه خالص، گناهانت را بشوی و لباس راستی و پاکی و خضوع و خشوع را برتن کن.

حضرت در کلامی دیگر می‌فرماید: «هرگاه تصمیم به حج داشتی پیش از آهنگ سفر، قلب خود را از هر حجاب یا دل‌مشغولی، پاک کن و همه کارهایت را به آفریدگارت بسپار و در همه حرکات و سکنات بر خدا تکیه و توکل کن» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۹، ص ۱۲۴)؛ چرا که با استغفار و توبه روح انسان جلا پیدا می‌کند و با آمادگی بیشتر وارد این مهمانی می‌شود.

دوم- خواندن نماز و دعا پیش از سفر

امام صادق علیه السلام، به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله، نماز خواندن پیش از سفر را بهترین عمل برشمرده است. (همان، ص ۳۷۹) همچنین حضرت می‌فرماید که هنگام سوار شدن بر مرکب مستحب است حاجی صدقه بدهد از خداوند سپاسگزاری کند و دعای: «الحمد لله الذی هدانا لاسلام...» را بخواند. (همان، ص ۳۷۵ و ۳۸۷) آن حضرت به خواندن نماز در مسجد الحرام و مسجد النبی و شرکت در نماز جماعت غیر شیعه نیز توصیه کرده است. (کلینی، ۱۳۶۵ق، ج ۲، ص ۶۳۵)

سوم- رعایت اخلاق و ادب

امام صادق علیه السلام مسافر حج را به رعایت اخلاق اسلامی، همچون فروبردن خشم، گذشت کردن، پرهیز از خیانت و اختلاس و دزدی و ربا سفارش کرده است. (همان، ج ۵، ص ۱۲۴) آن حضرت احترام به سالخوردگان را احترام به خدا، و سلام کردن به همسفران را موجب انس بایکدیگر، و سلام با صدای بلند را موجب عدم شائبه جواب ندادن دانسته است. (همان، ج ۲، ص ۶۴۵ و ۶۵۸). همچنین حضرت تواضع را از آداب دخول به حرم می‌داند. (ری شهری، ۱۳۷۷ش، ص ۱۸۳) اهمیت حل مشکل همسفران در نظر امام به حدی است که آن حضرت قطع طواف واجب برای شتافتن به کمک همسفران جایز دانسته است (کلینی، ۱۳۶۵ق، ج ۲، ص ۱۷۱) و به صحابه همراهش دستور داده که همراه فرد گرفتار بروند.

چهارم- ورود به مسجد الحرام و انجام دادن اعمال

امام صادق علیه السلام به غسل هنگام ورود به مکه و حرم، و ورود به مسجد الحرام از باب

بنی شبیه سفارش کرده‌اند. حضرت حکمت ورود از این باب را دفن شدن بت بنی شبیه در فتح مکه به دست امام علی علیه السلام، و این نحوه ورود را سنت نبوی دانسته است (ری شهری، ۱۳۷۷ش، ص ۶۶ و ۶۷) که باید زنده بماند.

ترک طواف مستحبی هنگام شلوغی، فرستادن تکبیر و صلوات هنگام ازدحام به جای استلام حجرالأسود، در صورت امکان استلام حجرالأسود در هر شوط و نیز استلام رکن یمانی و خواستن بهشت از خدا از توصیه‌های دیگر امام صادق به حاجیان است. (کلینی، ۱۳۶۵ق، ج ۴، ص ۴۰۵) همچنین حضرت به داشتن آرامش و وقار، نگاه به کعبه از بالای صفا، حمد و ثنای الهی، یادآوری نعمت‌های خدا و خواندن ادعیه سفارش کرده است. (ری شهری، ۱۳۷۷ش، ص ۲۰۵) بنابراین وقتی حج حضور در میقات پروردگار و شرکت در ضیافت الهی است، حج‌گزار باید به تناسب مقام و موقعیت، خود را مهیای این دیدار و این مهمانی بی نظیر سازد. این سفارش‌ها نشان می‌دهد غرض اصلی از رعایت این آداب، آمادگی انسان برای ورود به فضای معنوی با اخلاص و شوق بیشتر است.

چهار- آثار حج

امام صادق علیه السلام برگزاری حج ابراهیمی را منشأ آثار و برکات فراوان می‌داند که به چند نمونه آن اشاره می‌کنیم:

یک - از نظر فردی: حج موجب آمرزش گناهان، تقرب به خدا و تجدید ارتباط معنوی با خداوند، و باعث تقویت روحیه دینی و ایمانی زائران می‌شود.

دو - از نظر اجتماعی: حج موجب گسترش ارتباطات بین‌المللی، تبادل فرهنگ‌ها و تقویت وحدت اسلامی می‌شود.

در بیان آن حضرت پاداش حاجی در امان بودن از عذاب الهی (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۶۸)، است. حضرت با بیانی زیبا و جذاب حج و عمره را از بازارهای آخرت شمرده که برگزار کنندگان آن در پناه خدا هستند؛ حاجی در صورت رسیدن به هدفش

آمرزیده شده و اگر از دنیا رفت، پاداشش بر عهده خداوند است. (ری شهری، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۶۱). همچنین حضرت می فرماید که هر کس رسول خدا ﷺ را زیارت کند گویا خدا را در عرش زیارت کرده است (کلینی، ۱۳۶۵ ق، ج ۴، ص ۵۸۶) و زیارت حرم معصومین ﷺ در مدینه وسیله کمال و اتمام حج است. (صدوق، ۱۳۸۳ ق، ج ۲، ص ۴۵۹)

توجه به مضامین بلند این روایات نشان می دهد که برگزاری حج با شرایط واقعی آن، آثار مادی و معنوی زیادی به همراه دارد و زمینه رشد و رسیدن به کمال و دستیابی به سعادت دنیا و آخرت را فراهم می کند.

پنج- احکام حج

امام صادق علیه السلام درباره نحوه انجام دادن اعمال حج - مانند وضو، غسل، احرام، طواف، سعی بین صفا و مروه، رمی جمرات، وقوف در عرفات و منا، قربانی و حلق - احکام مختلفی را بیان کرده است. به طور کلی، بیان احکام حج از طرف امام علیه السلام نشان می دهد که ایشان علاوه بر جنبه های عملی حج بر جنبه های معنوی و اخلاقی آن نیز توجه ویژه ای داشته اند. با توجه به کثرت احکام حج در بیان حضرت، فقط به ذکر چند روایت بسنده می کنیم:

امام علیه السلام درباره استطاعت ﴿وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا﴾ فرمود: «مقدار مال به اندازه ای باشد که بتواند با بخشی از آن حج انجام داده و بخشی را نیز برای خوراک خانواده اش باقی بگذارد». (حرعاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۱، ص ۴۱۹)

امام صادق علیه السلام فرمود: «در هر یک از ماه های سال می توان به عمره رفت و بهترین عمره در ماه رجب است؛ زیرا انجام دادن عمره در این ماه معادل یک حج است». (کلینی، ۱۳۶۵ ق، ج ۴، ص ۵۳۵ و ۵۳۶) حضرت بر انجام دادن حج با مال پاک تأکید کرده است؛ (حرعاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۲، ص ۶۰) چرا که حج صحیح و مقبول جز با مال پاک میسر نیست.

ب) سیره عملی

سیره امام صادق علیه السلام در حج، معیار و الگویی سازنده برای همه حاجیان به شمار

می‌رود. حج کنگره‌ای عظیم و بستری مناسب برای گفت‌وگو و مناظره با همه اقوام و ادیان است؛ به همین جهت امام علیه السلام از این زمینه برای ارشاد همگان استفاده کرد. (ربانی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۰۵) شیعیان، در مدینه خدمت امام می‌رسیدند و از محضر ایشان بهره‌مند می‌شدند. آن حضرت هنگام موسم حج در مسجدالحرام جلسه درس تشکیل، و به سؤالات و مسائل شرعی پاسخ می‌دادند.

امام علاوه بر بیان مناسک و اعمال حج، مناسک حج را به صورت عملی نیز به مسلمانان یاد می‌دادند. عملکرد امام صادق علیه السلام در حج به عنوان بهترین راهنما و الگو پیش روی جامعه اسلامی قرار دارد. اکنون به برخی از افعال آن حضرت اشاره می‌کنیم:

یک- خشوع و خضوع هنگام محرم شدن

مالک بن انس می‌گوید که وقتی امام صادق علیه السلام می‌خواست در میقات احرام ببندد، قدرت گفتن تلبیه را نداشت و صدایش در گلو گیر می‌کرد. عرض کردم: «ای پسر پیامبر، چرا در گفتن تلبیه درنگ می‌کنید؟» حضرت فرمود: «ای ابن ابی عامر، می‌ترسم که من لبیک بگویم و پروردگار در جواب من بگوید "لالبیک و لاسعدیک" و از من نپذیرد. (صدوق، ۱۳۶۲ق، ج ۱، ص ۶۱)

دو- رسیدگی به حاجت مؤمن و مسلمان

پرداختن به نیازهای برادران و خواهران دینی از دستوره‌ای اکید امام صادق علیه السلام است. این موضوع در سفر حج اهمیت بیشتری می‌یابد. ابان بن تغلب می‌گوید: با امام صادق علیه السلام در حال طواف بودم که مردی از شیعیان نزد من آمد و درخواست کرد با او دنبال کاری بروم، ولی من دوست نداشتم امام علیه السلام را رها کنم. آن مرد بار دیگر به من اشاره کرد. امام علیه السلام او را دیدند و فرمودند: «ای ابان، این شخص با تو کار دارد؟». گفتم: «بله». امام علیه السلام فرمودند: «او کیست؟». عرض کردم: «یکی از یاران ماست». امام فرمودند: «شیعه است؟» گفتم: «بله». امام فرمودند: «همراهش برو». عرض کردم: «طوافم را قطع

کنم؟» فرمودند: «بله». عرض کردم: «هرچند طواف واجب باشد؟» امام فرمودند: «بله». من همراه آن مرد رفتم و سپس نزد امام برگشتم و از ایشان درباره «حق مؤمن» سؤال کردم. حضرت فرمودند: «ای ابان، وارد این مطلب نشو». عرض کردم: «جانم به قربانت! می‌خواهم بدانم و پیوسته اصرار کردم». امام فرمودند: «نصف مال خودت را باید به او بدهی!» حضرت نگاهی به چهره من کردند که چگونه متغیّر شدم و فرمودند: «ای ابان، مگر نمی‌دانی که خدای عزوجل ایثارکنندگان را یاد فرموده؟». گفتم: «آری، جانم به فدایت!». امام علیه السلام فرمودند: «مالت را که با برادرت تقسیم کنی هنوز ایثار نکرده‌ای. ایثار وقتی است که از نصف دیگر مالت نیز به او پردازی!». (طوسی، ۱۳۶۴ق، ج ۵، ص ۱۲۰).

در جای دیگر حضرت اهمیت پرداختن به امر مسلمان غیر شیعه را نیز توصیه کرده است. ابواحمد می‌گوید که دست امام علیه السلام هنگام طواف در دست من بود. مردی برای کاری نزد من آمد. با دست اشاره کردم صبر کن تا طوافم تمام شود. امام علیه السلام فرمودند: «موضوع چیست؟» گفتم: «شخصی با من کار دارد». امام علیه السلام فرمودند: «مسلمان است؟» گفتم: «بله». امام علیه السلام فرمودند: «بروبه کارش رسیدگی کن». عرض کردم: «طوافم را قطع کنم؟» حضرت فرمودند: «بله». «کسی که با برادر مسلمانش برای رفع حاجت او حرکت کند، خداوند یک میلیون حسنه در حق او می‌نویسد و یک میلیون گناه را از او محو می‌کند و یک میلیون درجه او را بالا می‌برد». (کلینی، ۱۳۶۵ق، ج ۴، ص ۴۱۴)

سه- بیان جایگاه ولایت در حج

عمرو بن ابی‌المقدّم می‌گوید که امام صادق علیه السلام روز عرفه در عرفات وسط مردم ایستاده بودند و در حالی که صورت خود را به چهار طرف می‌گرداندند با صدای بلند فریاد می‌زدند: «ای مردم، پیامبر صلی الله علیه و آله امام است؟» سپس علی بن ابی‌طالب و امامان بعدی را نام می‌بردند. (کلینی، ۱۳۶۵ق، ج ۴، ص ۴۶۶) آری حضرت امامت را از سرچشمه معنوی و اصلی‌اش شروع می‌کند و شجره‌نامه امامت شیعی را برای مسلمان ترسیم می‌کند.

چهار- وارد شدن به حرم با پای برهنه

ابان بن تغلب نقل می‌کند که همراه امام صادق علیه السلام سواره به سمت مکه می‌رفتیم تا به نزدیکی حرم رسیدیم. در این هنگام امام از اسب فرود آمد و غسل زیارت به جا آورد. سپس نعلین مبارکش را از پا درآورد و با پای برهنه وارد محوطه مسجدالحرام شد. من نیز همچون امام عمل کردم. آن حضرت فرمود: «ای ابان، هر کس با پای برهنه برای تعظیم و تواضع به حق تعالی وارد حرم شود، خداوند صد هزار گناه را از وی پاک کرده، همین مقدار برایش ثواب خواهد نوشت، به همین تعداد به درجات معنوی او افزوده و همین تعداد حاجات و خواسته‌هایش را اجابت می‌کند». (بحرانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۷۳)

پنج- دعا و مناجات در حج

امام صادق علیه السلام در سفر حج بعد از فراغت از نماز سر به آسمان می‌گرفت و عرضه می‌داشت: «خدایا، حرکت و مسیر آن را نیکوگردان» و هنگام صعود به بلندی می‌گفت: «خدایا، شرافت و بزرگی فقط از آن توست». (طوسی، ۱۳۶۴ق، ج ۵، ص ۱۰۴) یکی از یاران امام می‌گوید: «امام صادق علیه السلام از سرشب مرتب طواف می‌کرد و چنین دعا می‌خواند: «خدایا، مرا از بخل نفسم بازدار» و مرتب آن را تکرار می‌کرد. من با تعجب پرسیدم: «فدایت شوم، ای فرزند رسول خدا، چرا غیر از این چیز دیگری طلب نمی‌کنی؟» حضرت فرمود: «آیا بدتر از بخل سراغ داری؟ آیا نشنیدی که حق تعالی می‌فرماید: «کسی که از بخل نفس خویش در امان باشد اهل رستگاری است». (قمی، ۱۳۶۳ق، ج ۳، ص ۱۶۲) در واقع امام با این سخن هم روش دعا کردن، و هم سرمشق مهمی در مباحث اخلاقی بیان فرموده است.

شش- شوق و اشتیاق در انجام مناسک حج

امام صادق علیه السلام فرمود:

در ایام کودکی من با شوق و ذوق خاصی مشغول طواف بودم و با کوشش فوق‌العاده‌ای عبادت می‌کردم؛ به طوری که عرق از سرو صورتم می‌ریخت. ناگاه

پدرم مراد دید، تعجب کرد و فرمود: «فرزندم، خداوند وقتی بنده‌ای را دوست بدارد، او را داخل بهشت برین می‌برد و عمل کم را نیز از او قبول می‌کند. بنابراین بیش از حد توانت خود را به رنج و زحمت مینداز». (کلینی، ۱۳۶۵ق، ج ۲، ص ۸۶).

هفت - استغفار و طلب بخشایش

یکی از یاران امام صادق علیه السلام می‌گوید که امام به من فرمود:

وقتی هفت دور گرد کعبه طواف کردی نزدیک مستجار خود را به بیت بچسبان و بگو: «خدایا، خانه خانه توس و من هم بنده توام و این مکان برای پناه جستن از آتش جهنم به سوی توس» و به گناهانت اقرار کن. هر که این چنین کند، خداوند در این مکان گناهانش را خواهد بخشید. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶، ص ۱۹۱)

حضرت علیه السلام نیز هنگام طواف می‌گفت: خدایا، رحمت، گشایش و عافیت از جانب توس. خدایا، اگر عملم ضعیف است تو برایم افزایش بده و برای گناهانی که فقط تواز آنها مطلع هستی، مرا ببخش و از آتش حفظ کن».

۳. نقش امام صادق علیه السلام در زدودن خرافات از حج ابراهیمی

امام صادق علیه السلام در شکل‌گیری و گسترش فرهنگ و نهضت علمی اسلام نقش مهمی ایفا کرد. حضرت با نگاه ریزبینانه، زمان خود را تحلیل می‌کرد و بهترین روش برای پایداری اسلام ناب محمدی را در تربیت، تبلیغ دین و مبارزه با جریان‌ها و فرقه‌های انحرافی برمی‌گزید. حضرت در تمام زمینه‌ها مسئولیت پاسداری از دین اسلام، تبیین و گسترش معارف و مضامین عالی را برعهده داشت. آن حضرت در پرتو دانش خدادادی و با احاطه کامل بر صلاح و فساد امور و آگاهی از نیازهای فکری و فرهنگی، به هدایت جامعه اسلامی می‌پرداخت.

امام در بُعد فرهنگی گام‌های اساسی و بلندی در اصلاح، ساماندهی و گسترش فرهنگ شیعی برداشت و آن را از نوبازسازی کرد. آن حضرت با تبیین ابعاد مختلف

اسلام ناب، با هرگونه انحراف و خرافات به ایفای نقش سازنده می‌پرداخت؛ از جمله این مبارزات، مبارزه با خرافات ظاهری و باطنی در برگزاری فریضه حج است.

الف) ضرورت مبارزه با خرافات در حج

موضوع خرافه و خرافه‌پرستی در میان تمام جوامع بشری، حتی جوامع متمدن و پیشرفته وجود داشته و اندیشمندان به آن توجه کرده‌اند. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر آشکار می‌شود که این مسئله رنگ و بوی دینی به خود بگیرد. خرافات دینی، نه تنها دین را از کارایی و تعالی‌آفرینی باز می‌دارند که جامعه دینی را دچار آسیب‌های فراوان می‌کنند و سد راه تکامل و شکوفایی آن می‌شوند. ادیان آسمانی، به ویژه اسلام، از بدو ظهور با تمام توان با خرافه‌پرستی به مبارزه برخاستند و تمام سعی و تلاش خود را برای زدودن آلودگی‌ها و اوهام در جهت تعقل‌گرایی و حکمت و منطق به کار گرفتند.

یکی از حکمت‌های مهم بعثت انبیا و جانشینان آنها پاسداری از دین خدا در همه زمان‌هاست. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «زمین هیچ‌گاه از قیام‌کننده با حجت و دلیل، خواه آشکار یا پنهان، خالی نمی‌ماند تا دلایل و اسناد روشن الهی ضایع نگردند و به بوته فراموشی سپرده نشوند». (ری شهری، ۱۳۷۹ ش، ج ۱، ص ۱۶۷)

در عین حال با گذشت زمان و آمیختن سلیقه‌ها، افکار شخصی و خرافات به مسائل مذهبی، گرایش به سوی مکتب‌های انحرافی و دراز شدن دست مفسده‌جویان به سوی مفاهیم آسمانی، اصالت پاره‌ای از این قوانین از دست می‌رود و آنها دستخوش تغییرات زیان‌بخشی می‌شوند. بنابراین وجود رهبرانی معصوم برای حفظ تعالیم دینی و اسلامی ضروری است تا آموزه‌های اصیل دین را به صورت کامل و دست‌نخورده حفظ کنند و برای نسل‌های آینده نگه دارند؛ چرا که با خاتمیت دین اسلام، باب وحی تشریعی برای همیشه بسته شد، پس آیین اصیل چگونه باید از تحریفات، تغییرات و خرافات حفظ شود و برای نسل‌های آینده محفوظ بماند؟ آیا جزاین است که باید این رشته به وسیله

یک پیشوای معصوم، خواه آشکار و مشهور یا پنهان و ناشناس، ادامه یابد؟ بنابراین راه ورود و دسترسی به حقایق، راه پیامبر اسلام ﷺ و ائمه طاهرین علیهم السلام است که خداوند آنها را وسیله فیوضات و باب علم خویش قرار داده است، نه راه خرافات و بدعت‌هایی که ساخته و پرداخته بشرعادی است.

قرآن می‌فرماید: «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»؛ آنچه را رسول حق دستور می‌دهد بگیرید و هر چه را که نهی می‌کند واگذارید. (حشر: ۷) بنابراین لزوم مبارزه با خرافه‌گرایی در هر عصر و زمانی، و در همه امور و شئون ضروری به نظر می‌رسد. مناسک حج نیز از این امر مستثنی نیست، بلکه از مهم‌ترین موضوعاتی است که حذف خرافات از آن همیشه محل توجه رهبران دین بوده است. چنانچه ابراهیم خلیل علی‌ه السلام حجی خالص و به دور از هرگونه شرک و آلودگی را پایه‌گذاری کرد و پیامبر خاتم ﷺ درباره غبار شرک، آلودگی و خرافات را از چهره آن زدود و حج ابراهیمی را احیا کرد.

در ایام جاهلیت اعراب مناسک حج را برگزار می‌کردند، اما این اعمال با خرافات بسیار همراه بود و شرک و آلودگی از شروع تا پایان آن را فراگرفته بود. از این رو پیامبر ﷺ تمام تلاش خود را به کار بست تا حج از خرافات پیراسته شود. بنابراین نحوه انجام دادن حج پیامبر ﷺ به همراه هزاران نفر از مسلمانان می‌تواند الگوی خوبی برای امت مسلمان در هر عصر و زمانی باشد. همچنین حضور هر ساله ائمه اطهار علیهم السلام در ایام حج و راهنمای مردم به صورت قولی و عملی چراغ روشنی پیش روی امت اسلام است. این مهم در بیان و سیره امام صادق علی‌ه السلام از جلوه بیشتری برخوردار است.

ب) نقش امام معصوم در حج

طبق فرموده امام باقر علی‌ه السلام حج یکی از ارکان اصلی اسلام محسوب می‌شود: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ». (کلینی، ج ۲، ص ۱۸) هیچ یک از نماز، روزه، زکات و حج همانند «ولایت» رکن استوار اسلام نیست. در واقع چهار رکن دیگر زمانی

جایگاه و ارزش واقعی خود را پیدا می‌کند که تحت زعامت و رهبری ولایت باشد. آهنگ کعبه بدون امامت، حضور در عرفات، بدون معرفت امام، قربانی در منا بدون فداکاری و ایثار، رمی جمره بدون طرد شیطان درونی و بیرونی و سعی بین صفا و مروه بدون کوشش در شناخت و اطاعت امام بی‌سودی نخواهد داشت.

جایگاه امام امتداد حرکت توحیدی است که از آدم علیه السلام شروع شده و با ظهور پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله به کمال رسیده است. براین اساس امام در حج مانند امور دیگر الگو و سرمشق است و مسئولیت حراست از حج به عهده اوست. او با هرگونه انحراف در دین، از جمله مناسک حج، مبارزه می‌کند و مقابل خرافات و کژفهمی‌ها واقعیت را تبیین می‌کند. از این رو، حاجی باید پیش از آنکه قصد کعبه کند، قصد باطن کعبه و حقیقت آن، یعنی امام زمان خویش، کند و به دیدار او بشتابد. از او دین را بیاموزد و با او در اطاعت و ولایت بیعت کند. حج بدون حضور امام معصوم حج نیست. از یَتُوكَ (به جای یأتونا) در آیه ﴿أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا﴾ (حج: ۲۷) استفاده می‌شود که مردم در هر زمان در پاسخ به ندای ابراهیم علیه السلام باید به سوی امام زمان خود بروند.

پیامبرگرمای اسلام صلی الله علیه و آله تمام تلاش خود را به کار بست و مناسک و معارف حج را به صورت تئوری و عملی به مردم معرفی کرد، اما به دلیل تنگناها و موانع بسیاری که فراسوی جامعه نوپای نبوی بود، مسلمین نتوانستند همه جزئیات مسائل حج را از رسول خدا فرا گیرند. امام معصوم علیه السلام جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و هم‌شان و هم‌رتبه اوست و تمام مسئولیت‌های حضرت، جز نبوت، را دارد. از جمله مسئولیت‌های مهم امام، حفاظت از دین و آموزه‌های دینی، نظیر حج، است؛ چنان‌که امام رضا علیه السلام در این زمینه فرمود:

«مُصْطَلِحٌ بِالْإِمَامَةِ عَالِمٌ بِالسِّيَاسَةِ مَقْرُوضُ الطَّاعَةِ قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ نَاصِحٌ لِعِبَادِ اللَّهِ حَافِظٌ لِدِينِ اللَّهِ».

امام برای امامت آفریده شده است. او عالم به سیاست، و اطاعت وی واجب است. او برپا کننده امر خدا، ناصح بندگان خدا و حافظ دین اوست.

ج) تلاش امام صادق (علیه السلام) در زدودن خرافات از مناسک حج

مروری بر زندگی سراسر نور و معنویت حضرت بیانگر این است که نقش امام با توجه به فرصتی که در تبیین چهره واقعی حج و زدودن خرافات از آن پیش آمده بود کم نظیر است. از این رو به چند نمونه از این روشنگری‌ها اشاره می‌کنیم:

یک- بیان سیره انبیا و اولیا

امام صادق (علیه السلام) با یادآوری حوادث گذشته و انجام دادن مناسک حج انبیای بزرگ - مانند حضرت ابراهیم (علیه السلام)، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و اولیای الهی - مردم را با حج واقعی و به دور از خرافات آشنا می‌کرد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: قریش در جاهلیت هنگام تجدید بنای خانه خدا به محل نصب حجرالأسود رسیدند و درباره نصب سنگ، بین آنان اختلاف پیش آمد. در این لحظه با پیشنهاد پیری خردمند توافق کردند نخستین کسی که از در مسجد وارد می‌شود، میان ایشان حکم باشد. ناگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از در مسجد الحرام وارد شد. حضرت از موضوع آگاه شد و فرمود: «پارچه‌ای بیاورید». آن‌گاه سنگ را میان آن نهاد. سران قبایل نیز اطراف آن پارچه را گرفتند و نزدیک محل نصب آوردند. سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حجر را برداشت و در جای خود قرار داد. (کافی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۲۱۷) به این صورت اختلاف بر طرف، و همه راضی شدند.

این حادثه و امثال آن نشان می‌دهد که حضرت صادق (علیه السلام) با بیان مسایل مربوط به حج و حوادث تاریخی سعی می‌کرد، غبار تحجر و خرافات را از چهره واقعی حج پاک کند و مردم را با حقیقت حج و مناسک آن آشنا کند. حضرت با بیان داستان نصب حجرالأسود، این نکته را یادآوری کرد که کعبه مظهر توحید، و بنای آن بر همین اساس است و تفاخر و تکبر در آن جای ندارد. آنچه اهمیت دارد بندگی و عبودیت است و بر همین اساس خداوند، بنده پاک و خالص خود را برای چنین امر مهمی انتخاب کرده است.

دو- مناظره و بحث و گفت وگو

امام صادق علیه السلام در ایام حج، مناظره‌های مهمی با بزرگان و علمای زمان خود داشته است. بعضی از آنها در مکه و درون مسجدالحرام، و برخی در مشاعر یا ... بوده است. یکی از این مناظره‌ها عبارت است از اینکه هشام بن حکم می‌گوید:

امام صادق علیه السلام در حال طواف بود که زندیق مصری نزد آن حضرت آمد و سلام کرد. حضرت فرمود: «نام تو چیست؟» زندیق گفت: «عبدالملک». امام پرسید: «کنیه‌ات چیست؟» او گفت: «ابوعبدالله». امام فرمود: «این کدام ملک و پادشاه است که تو بنده او هستی؟ از پادشاهان زمین است یا از پادشاهان آسمان؟ پسرت بنده خدای آسمان است یا بنده خدای زمین؟» مرد مصری سکوت کرد. امام فرمود: «هرگاه از طواف فارغ شدم، نزد ما بیا».

بعد از طواف. زندیق نزد حضرت آمد. امام به او فرمود: «آیا می‌دانی زمین زیر و روی دارد؟» زندیق گفت: «آری». امام فرمود: «تاکنون به زیر زمین رفته‌ای؟» زندیق گفت: «نه». امام فرمود: «آیا می‌دانی در زیر زمین چیست؟» زندیق گفت: «نمی‌دانم. گمان کنم چیزی زیر زمین نیست». امام فرمود: «گمان چیزی جز عجز و درماندگی است؟ آیا به سوی آسمان بالا رفته‌ای و می‌دانی در آنجا چیست؟» زندیق گفت: «نمی‌دانم». امام فرمود: «آیا به سوی مشرق و مغرب رفته‌ای و ماورای آنها را زیرنگاهت قرار داده‌ای؟» زندیق گفت: «نه».

امام فرمود: «بسی جای تعجب است که نه به مشرق و نه مغرب، نه درون زمین، نه آسمان بالا رفته‌ای، و نه خبری از آنجا داری تا بدانی در آنجا چیست، در عین حال آنچه در این مکان‌هاست را انکار می‌کنی؟! آیا هیچ عاقلی چیزی را که نمی‌داند منکر می‌شود؟! ای مرد، بدان! هیچ‌گاه کسی که نمی‌داند بر آن که می‌داند حجت و دلیلی ندارد. هرگز جاهل بر عالم حجتی ندارد. ای برادر مصری، آیا نمی‌بینی که آفتاب و ماه، شب و روز به افق درمی‌آیند. اما یکی بردیگری سبقت نمی‌گیرد؟!»

آنها می‌روند و برمی‌گردند و در این رفت و آمد مجبور و مضطر هستند؛ زیرا جایی جز مکان خودشان ندارند. آنها اگر می‌توانستند برنگردند چرا برمی‌گردند؟ اگر مضطر نبودند چرا شب، روز و روز، شب نمی‌شود؟ آیا نمی‌بینی آسمان برافراشته و زمین نهاده شده است؛ به گونه‌ای که نه آسمان به زمین می‌افتد و نه زمین روی کرات زیرین سرازیر می‌شود؟ به خدا سوگند، خالق و مدبر آنها خداست. زندیق تحت تأثیر استدلال امام مسلمان شد. (طبرسی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۷۵)

این مناظره‌ها نشان می‌دهد که امام علیه السلام افزون بر انجام دادن مناسک حج، از این فرصت برای تبادل نظر و گفت‌وگو با مردم و علمای زمان بهره می‌برد و از این طریق به گسترش دین و معرفت دینی کمک می‌کرد. همچنین مناظره امام در حین طواف با فرد زندیق، نشان می‌دهد که بر خلاف پندار برخی، گفت‌وگوی اعتقادی حتی با غیر هم‌دینان، با عمل عبادی طواف منافات ندارد.

نتیجه‌گیری

حج فريضه‌ای اسلامی است و با وجود شرایطی واجب می‌شود. طبق آیات و روایات این واجب الهی از بدو خلقت بوده و حضرت آدم انجام می‌داده است. با این حال قرآن و روایات معمولاً حج و مناسک آن را به حضرت ابراهیم نسبت می‌دهند. چنین نسبتی هیچ منافاتی با ساخت خانه کعبه به دست آدم ندارد؛ زیرا بر اثر گذر زمان خانه خدا ویران و ناپدید شد. ابراهیم مأمور شد با راهنمایی جبرئیل محل خانه را پیدا، و کعبه را بازسازی کند و مناسک حج را انجام دهد. از این رو با توجه به نقش آن حضرت در این زمینه از حج با عنوان حج ابراهیمی یاد می‌شود.

بر اساس آیات و روایات، فريضه حج مطابق سنت حضرت ابراهیم از طریق پیامبران بعدی برگزار می‌شده است. با گذشت زمان حج دچار تحریف و انحراف شد و این انحراف در زمان بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به اوج خود رسید. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مدت کوتاهی، که بر شهر مکه تسلط یافت، تمام تلاش خود را به معرفی حج توحیدی معطوف

کرد. آن حضرت در آخرین حج خود شیوه انجام دادن حج را به مسلمانان آموخت. اما فرصت بیان اعمال جزئی و فرعی را نداشت.

پیامبر به فاصله کمی پس از برگشت از سفر حج در شهر مدینه به ندای حق لبیک گفت. بنابراین مناسک صحیح حج نیز مانند دیگر مسائل اسلام درست تبیین نشد و آنچه پیامبر اسلام ﷺ بیان کرد و عملی انجام داد، از مسیر درست منحرف شد. تنها راه نجات میراث پیامبر ﷺ از جمله حج، قرار گرفتن در زیر چتر ولایت بود. یکی از این امامان مبین و مبشر مناسک حج، امام صادق (علیه السلام) بود. به گونه ای که نقش حضرت در احیای حج ابراهیمی و زدودن خرافات و مبارزه با انحرافات بی بدیل است. حضرت در هر مکان و زمان، به ویژه در ایام حج، به شیوه های گوناگون و تأثیرگذار و با منطقی مستدل به ارشاد و راهنمایی مردم می پرداخت. مردم نیز رفتار و سخنان امام را به عنوان سرمشق در فریضه حج پذیرفتند و براساس آن مناسک حج را به جا می آوردند تا حج ابراهیمی همچنان زنده بماند.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله العظمی مکارم شیرازی
۱. بحرانی، سیدهاشم، (۱۴۱۱ق)، حلیۃ الأبرار، قم، مؤسسة المعارف الإسلامیه.
 ۲. بیهقی، احمد بن حسین، (۴۱۹ق)، سنن الکبری، ج ۵، بیروت، دار الفکر.
 ۳. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۲ش)، صهبای صفا، تهران، مشعر.
 ۴. حر عاملی، محمد، (۴۱۴ق)، وسائل الشیعة، ج ۸ و ۱۱، قم، مؤسسة آل البيت.
 ۵. حویزی، عبدالعلی، (۱۳۸۳ق)، تفسیر نورالثقلین، ج ۱ و ۳، تهران، المطبعة العلمیه.
 ۶. ربانی، سیدجعفر، (۱۳۸۷ش)، «سیره امام جعفر صادق (علیه السلام) در حج»، فصلنامه فرهنگ کوثر، شماره ۷۵.
 ۷. ری شهری، محمد، (۱۳۷۷ش)، الحج والعمرة فی الكتاب والسنة، قم، دارالحديث.
 ۸. -----، (۱۳۸۴ش)، میزان الحکمة، ج ۱، قم، دارالحديث.
 ۹. سامانی، سید محمود، (۱۳۹۹ش)، بررسی حج در سخن و سیره امام جعفر صادق (علیه السلام)، قم، مشعر.

۱۰. سید رضی، محمد بن حسین، (۱۳۸۷ ش)، نهج البلاغه، قم، الهادی.
۱۱. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۶۲ ق)، الخصال، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. -----، (۱۳۶۸ ش)، ثواب الاعمال، قم، رضی.
۱۳. -----، (۱۳۸۳ ق)، علل الشرائع، ج ۲، قم، المكتبة الحیدریه.
۱۴. -----، (۱۴۱۳ ق)، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. طبرسی، احمد بن علی، (۱۳۸۰ ق)، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، قم، شریعت.
۱۶. -----، (۱۴۱۵ ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
۱۷. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۳۶۴ ق)، تهذیب الاحکام، ج ۵، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۱۸. -----، (۱۴۱۴ ق)، الأمالی، قم، دار الثقافة.
۱۹. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ ق)، تفسیر العیاشی، ج ۱، تهران، المطبعة العلمیه.
۲۰. فعالی، محمد تقی، (۱۳۹۳ ش)، اسرار عرفانی حج، قم، مشعر.
۲۱. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳)، تفسیر القمی، قم، دارالکتاب.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵)، الکافی، ج ۲ و ۴ و ۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، ج ۹۹ و ۹۶، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۴. مغربی، نعمان بن محمد، (۱۳۸۵)، دعائم الاسلام، ج ۱، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ دوم.
۲۵. منسوب به امام صادق (ع)، (۱۴۰۰ ق)، مصباح الشریعة، بیروت، الاعلمی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی